

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دوره دو جلدی

شب کنکور دکتری حقوق خصوصی (۱)

(خلاصه دروس)

دوره شب کنکور دکتری، شامل مباحث ضروری ذیل می باشد:

- ✓ حقوق مدنی
- ✓ حقوق تجارت
- ✓ متون فقه (معاملات)

به کوشش:

دیپارتمان تخصصی دکتری حقوق خصوصی



انتشارات حقوقی عدلیه

سرشناسه: دپارتمان تخصصی دکتری حقوق خصوصی

عنوان: دوره دو جلدی شب کنکور دکتری حقوق خصوصی (جلد اول)

مشخصه نشر: تهران، انتشارت عدلیه، سال ...؟؟!

مشخصات ظاهری: ۵۱۴ صفحه

موضوع: حقوق تجارت - حقوق مدنی - متون فقه (معاملات)

موضوع: شب کنکور دکتری حقوق خصوصی - کتاب خلاصه مباحث حقوق خصوصی

موضوع: حقوق مدنی ۳ - حقوق مدنی ۴ - حقوق مدنی ۶ - حقوق مدنی ۷ - حقوق مدنی ۸

موضوع: حقوق تجارت ۱ - حقوق تجارت ۲ - حقوق تجارت ۳ - حقوق تجارت ۴

موضوع: چک - سفته - برات

شناسه افزوده: شرکت‌های تجاری - اسناد تجاری - امور ورشکستگی

شناسه افزوده: رهن - ضمان - عاریه - جعاله - وکالت - مزارعه - کفالت - حواله

شناسه افزوده: قواعد عمومی قراردادها - عقود معین - ضمان قهری

شناسه افزوده: اشخاص و محجورین - اموال و مالکیت - حقوق تعهدات - مسئولیت مدنی

شناسه افزوده: شفعه - وصیت - ارث

شناسه افزوده: دکتر کاتوزیان - دکتر اسکینی - دکتر امامی - دکتر شهیدی - دکتر کاویانی - دکتر پاسبان

شناسه افزوده: آزمون دکتری نیمه متمرکز - ۱۴۰۳/۱۴۰۴

شناسه افزوده: جلد اول شامل دروس تخصصی حقوق مدنی و حقوق تجارت می‌باشد.

عنوان: جلد اول (از شب کنکور دکتری حقوق خصوصی)

به کوشش: دپارتمان تخصصی دکتری حقوق خصوصی

ناشر: تهران، انتشارت عدلیه، ...؟؟!

ناظر: ابوالقاسم شم آبادی

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

بهاء دوره: ...؟؟! تومان

تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۲۱۰۰۲

۰۲۱-۶۶۵۸۱۷۴۸

Email: nashreadliye@gmail.com

http://www.adlpub.com

کانال تلگرام عدلیه را در گوشی خود دنبال کنید:

کانال دکتری حقوق

https://t.me/PHDdoktori

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

فقط اخلاق است که باعث احترام به حقوق معنوی می‌شود.

فصول جلد اول کتاب (فهرست مختصر)

۴	مقدمه
۵	بخش اول: حقوق تجارت
۶	فصل اول: حقوق تجارت ۱
۶	مبحث اول: دکترین‌هایی که در خصوص تجاری بودن اعمال تجار وجود دارد
۸	مبحث دوم: تفاوت‌های تاجر با غیرتاجر
۱۲	مبحث سوم: تاجر چه کسی است؟ (بررسی تحلیلی)
۲۵	مبحث چهارم: انواع اعمال تجارتی
۴۵	مبحث پنجم: الزامات تاجر
۵۰	مبحث ششم: اعتبار دفاتر تجارتی
۵۳	مبحث هفتم: اقسام اعمال تجارتی خاص
۶۳	سوالات آزمون دکتری
۸۱	فصل دوم: حقوق تجارت ۲
۸۱	مبحث اول: تعریف شرکت تجاری
۸۱	مبحث دوم: تفاوت شرکت مدنی و شرکت تجاری
۸۲	مبحث سوم: قوانین تشکیل دهنده قانون تجارت
۸۲	مبحث چهارم: تقسیم بندی شرکت‌های تجاری
۸۳	مبحث پنجم: اقامتگاه و تابعیت شرکت‌های تجاری
۸۶	مبحث ششم: نحوه تشکیل شرکت‌های مختلف تجاری
۹۰	مبحث هفتم: مسئولیت شرکا یا سهامداران در شرکت‌های مختلف تجاری
۹۳	مبحث هشتم: تعداد شرکاء یا سهامداران در شرکت‌های مختلف تجاری
۹۳	مبحث نهم: موضوع فعالیت شرکت‌های مختلف تجاری
۹۳	مبحث دهم: موضوع فعالیت شرکت‌های مختلف تجاری
۹۵	مبحث یازدهم: نحوه اتخاذ تصمیم در شرکت‌های مختلف تجاری
۱۰۱	مبحث دوازدهم: موارد انحلال شرکت تجاری
۱۰۲	مبحث سیزدهم: ورشکستگی شرکت
۱۰۴	مبحث چهاردهم: مدیریت در شرکت‌های مختلف تجاری
۱۰۵	مبحث پانزدهم: حدود اختیار مدیران در شرکت‌های تجاری
۱۰۵	مبحث شانزدهم: مسئولیت مدیران در شرکت‌های مختلف تجاری
۱۱۱	مبحث هفدهم: بازرسی در شرکت‌های سهامی
۱۲۰	سوالات آزمون دکتری
۱۴۰	فصل سوم: حقوق تجارت ۳
۱۴۰	مبحث اول: کلیات
۱۴۱	مبحث دوم: ویژگی‌های مشترک اسناد تجاری و تمایزات این اسناد، از سایر اسناد تجاری
۱۴۲	مبحث سوم: مزایای اسناد تجاری
۱۵۵	مبحث چهارم: سند تجاری چک

- مبحث پنجم: سند تجاری برات..... ۱۵۹
- مبحث ششم: سند تجاری سفته (فته طلب)..... ۱۶۳
- مبحث هفتم: مسئولیت در انواع اسناد تجاری..... ۱۶۷

سوالات آزمون دکتری..... ۱۷۸

فصل چهارم: حقوق تجارت ۴..... ۱۹۴

- مبحث اول: تعریف ورشکستگی..... ۱۹۴
- مبحث دوم: قوانین مرتبط با ورشکستگی..... ۱۹۵
- مبحث سوم: تمایزات ورشکستگی با اعسار..... ۱۹۶
- مبحث چهارم: نظریات ورشکستگی..... ۱۹۹
- مبحث پنجم: ماهیت حکم ورشکستگی..... ۲۰۲
- مبحث ششم: خصوصیات حکم ورشکستگی..... ۲۰۳
- مبحث هفتم: انواع ورشکستگی..... ۲۰۳
- مبحث هشتم: آثار ورشکستگی..... ۲۰۴
- مبحث نهم: بررسی ماده ۴۲۲ قانون تجارت..... ۲۰۵
- مبحث دهم: تصفیه امور ورشکستگی..... ۲۰۵
- مبحث یازدهم: اقدامات اولیه در امر تصفیه..... ۲۰۷
- مبحث دوازدهم: ادامه کار تاجر..... ۲۰۸
- مبحث سیزدهم: تعیین دارایی تاجر ورشکسته..... ۲۰۹
- مبحث چهاردهم: قرارداد ارفاقی..... ۲۱۰
- مبحث پانزدهم: خاتمه ورشکستگی..... ۲۱۲
- مبحث شانزدهم: تصفیه اختصاری..... ۲۱۲
- مبحث هفدهم: اعاده اعتبار..... ۲۱۳

سوالات آزمون دکتری..... ۲۱۴

فصل پنجم: آرای وحدت رویه تجاری..... ۲۲۹

- بخش دوم: حقوق مدنی (حقوق مدنی ۱ الی ۸)..... ۲۳۳
- حقوق مدنی ۳..... ۲۳۴
- حقوق مدنی ۴..... ۳۱۵
- حقوق مدنی ۶..... ۳۵۰
- حقوق مدنی ۷..... ۳۸۶
- حقوق مدنی ۸..... ۴۸۴
- آرای وحدت رویه مدنی..... ۵۰۸

مقدمه

یکی از نیازهای اساسی داوطلبان حقوق خصوصی، مطالب مختصر و مفید است که معمولاً به صورت متن‌های خلاصه و در قالب درسنامه مختصر به همراه تست و نکات طلایی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. دلیل اصلی این موضوع یادگیری مطالب اساسی و مبنایی و دوره کردن سریع محتوا می‌باشد که ممکن است این مطالعه، قبولی داوطلب را به ارمغان آورد؛ بنابراین وجود کتب خلاصه اهمیت زیادی دارد؛ مخصوصاً زمانی که داوطلب با فرصتی کوتاه تا آزمون، مواجه می‌باشد؛ از این رو، بسیاری از داوطلبان دکتری به دلایل مختلف فرصت کافی جهت مطالعه همه مطالب مربوط به شاخه خود را ندارند و در صورت فرصت داشتن هم، زمان آزاد آنها برای مطالعه بسیار محدود است. اضافه بر این شاید داوطلبان نتوانند منابع اصلی و اصطلاحاً خوب را دسترسی داشته باشند. بنابراین شرایط اینگونه داوطلبان کاملاً متمایز با داوطلبان دیگر می‌باشد.

این موضوعات ما را بر آن داشت که در جهت رفع این نیاز اساسی کتاب خلاصه و دو جلدی‌ای با عنوان «شب کنکور دکتری حقوق خصوصی» منتشر نماییم. همانطور که از نام کتاب مشخص است؛ این دوره دو جلدی حاوی مطالب خلاصه و به اصطلاح درسنامه نسبتاً مختصر و تست بوده که مخصوص ماه‌های نزدیک به آزمون دکتری و یا داوطلبانی است که به دلیل مشغله فرصت مطالعه ندارند. مطالب دوره شب کنکور دکتری حقوق خصوصی از سه بخش اصلی تشکیل شده است؛

۱. حقوق تجارت

۲. حقوق مدنی

۳. متون فقه (بخش معاملات)

بنابراین دروس عمومی (زبان و استعداد تحصیلی) در این کتاب دو جلدی کار نشده است؛ دلیل این موضوع مسلماً مطالب متنوع و مباحث گسترده دکتری حقوق خصوصی است؛ به طور نمونه اگر قرار باشد داوطلبی متون فقه اصلی (که اسم دقیقش روضه البهیه فی شرح لمعه دمشقیه می‌باشد و توسط علی شیروانی ترجمه شده است) را با ترجمه‌اش مطالعه کند؛ حداقل باید بخش‌های زیادی از دوره ۱۵ جلدی (روضه البهیه) را مطالعه نماید که بیش از نصف این دوره مربوط به مسائل و موضوعات مرتبط با حقوق خصوصی است و یا اگر داوطلبی بخواهد بر حقوق مدنی مسلط شود حداقل کار لازم مطالعه قانون مدنی در نظم حقوق کنونی و دوره قواعد عمومی قراردادها و عقود معین دکتر ناصر کاتوزیان می‌باشد؛

از این رو مباحث و موضوعات این شاخه برای این داوطلبان دکتری حقوق خصوصی زیاد بوده و در برابر فرصت کم. خلاصتاً اینکه: جمع و جور کردن شب کنکور حقوق خصوصی خودش یک راه حل و میان‌بر و کتابی جامع و مانع می‌باشد.

پس صرف اقدام به نگارش و تالیف این کتاب دو جلدی خود اقدام کوچکی نیست؛ مسلماً. به هر حال، ما توانستیم کتاب دو جلدی شب کنکور دکتری حقوق خصوصی را چندین سال پیش منتشر کرده و در طول این سال‌ها به طور مرتب به روزآوری نماییم. فارغ از این بحث، یکی از اهداف مهمی که در نگارش شب کنکور حقوق خصوصی صورت گرفته است؛ کمک به داوطلبانی بوده که شاغل هستند و فرصت مطالعه به اندازه کافی ندارند و به کتابی همانند شب کنکور حقوق خصوصی نیاز فوری دارند. از این رو استقبال داوطلبان این شاخه به چنین کتابی بیش از پیش آشکار می‌شود.

باری، در مطالعه این دوره پیشنهاد می‌شود: داوطلب در حین مطالعه هر بخش از کتاب، ابتدا نگاهی به سوالات دکتری سنوات قبل (از آخر هر درس) انداخته تا متوجه بخش‌های مهم آن شده و بعد از آن بحث مرتبط را مطالعه نماید. اضافه بر آن، در صورت امکان متن کتاب دو جلدی شب کنکور حداقل دو بار مطالعه شود که برای داوطلب نتیجه مدنظر را داشته باشد و داوطلب سعی نماید در اولین دور از مطالعه به قوانین مورد استناد مرتب مراجعه کرده و در آخر مطالعه نیز تست‌ها را کار کند. البته در پایان مطالعه این دوره حتماً سوالات سنوات اخیر آزمون دکتری نیمه متمرکز از سال ۱۳۹۰ به بعد و مخصوصاً سال‌های اخیر توسط داوطلب یک بار کامل نگاه شود.

در پایان، ضمن تشکر از حسن انتخاب و اعتماد شما، چنانچه خوانندگان محترم این وجیزه، انتقاد یا پیشنهادی در مورد متن برای بهتر شدن محتوا دارند؛ لطفاً از طریق آدرس‌های ذیل ما را یاری نمایند.^۱

دپارتمان تخصصی دکتری حقوق خصوصی

بخش اول:
حقوق تجارت

گوشزد:

حتماً در طول مطالعه مشخص خواهد شد که این کتاب **مختص** داوطلبان دکتری حقوق خصوصی تدوین شده است. ضمناً چند صفحه‌ای از ابتدای حقوق تجارت ۲ {یعنی از اسناد تجاری} جهت نمونه، تقدیم می‌شود. (برای اطلاع دقیق‌تر از نحوه چیدمان مطالب، به فهرست مختصر کتاب مراجعه نمایید!)

فصل سوم:

حقوق تجارت ۳

منابع اصلی استفاده شده در فصل ۳:

- (۱) حقوق تجارت تطبیقی دکتر ربیعا اسکینی
- (۲) دوره حقوق تجارت دکتر ربیعا اسکینی
- (۳) دوره حقوق تجارت دکتر کورش کاویانی
- (۴) کتاب حقوق تجارت ۳، دکتر بهرام بهرامی
- (۵) جزوات حقوق تجارت دکتر امیر حسین فخاری
- (۶) جزوه حقوق تجارت دکتر پاشایی
- (۷) حقوق تجارت به روش ساده رضا رشیدی نسب
- (۸) حقوق تجارت دکتر محمد علی عبادی
- (۹) دوره حقوق تجارت دکتر حسن ستوده تهرانی
- (۱۰) کتاب حقوق تجارت ۳، دکتر حسین خزائی
- (۱۱) حقوق بازرگانی به زبان ساده منوچهر جفره
- (۱۲) دوره حقوق تجارت دکتر محمود عرفانی
- (۱۳) ساده ساز حقوق تجارت دکتر فرشید فرحناکیان
- (۱۴) کتاب حقوق تجارت - دکتر ابراهیم عبدی پور فرد
- (۱۵) قانون تجارت در نظم حقوق کنونی دکتر فرشید فرحناکیان
- (۱۶) قانون تجارت در نظم حقوق کنونی دکتر محمد دمرچیلی
- (۱۷) کمک حافظه حقوق تجارت علی فلاح
- (۱۸) مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای حقوق تجارت دکتر مجید قربانی لاجوانی
- (۱۹) مختصر حقوق تجارت دکتر محمد مهدی توکلی
- (۲۰) نکات طلایی قانون یار حقوق تجارت
- (۲۱) جزوه حقوق تجارت امید ملاکرمی
- (۲۲) جزوه حقوق تجارت ۳، دکتر مهمان نوازان
- (۲۳) جزوه حقوق تجارت ۳، دکتر فرشید فرحناکیان
- (۲۴) جزوه حقوق تجارت ۳، دکتر اسکینی (خلاصه شده)
- (۲۵) جزوه حقوق تجارت ۳، دکتر موسوی هاشمی
- (۲۶) جزوه حقوق تجارت (۳)، دکتر قربانی لاجوانی
- (۲۷) جزوه حقوق تجارت (۳)، معین شرقی
- (۲۸) مقاله «اصل استقلال امضاءها و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری»، نوشته کمال الله آبادی، مجله دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱۰ و ۱۱، بهار ۱۳۷۷.
- (۲۹) مقاله «واکاوی اصل انعکاس حقوق و تعهدات برواتی در خود سند تجاری در فرایند صدور و گردش»، نگارش: دکتر سعید محسنی و همکاران، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸.



مبحث اول: کلیات

مقدمه: قانون تجارت ایران، یکی از ابواب خود را به برات، سفته و چک اختصاص داده است؛ (باب چهارم قانون تجارت) و نام آن را اسناد تجاری قرار نداده است؛ زیرا قانونگذاران می‌دانستند که اسناد دیگری هم به جز این موارد وجود دارد. این باب (باب چهارم) شامل ۴ فصل است: یعنی شامل (۱) برات (۲) سفته (۳) چک (۴) مرور زمان اسناد تجاری می‌باشد. همچنین عمده مقررات مربوط به اسناد تجاری از ماده ۲۲۳ به بعد قانون تجارت پیش بینی شده است؛ ولی چک دارای مقررات مستقل نیز می‌باشد. (منظور قانون چک است). **(دکتر فخاری)**

مفهوم سند تجاری:

سند تجاری، سندی است مجرد که متضمن یک تعهد تجاری با ویژگی‌های خاص خود است و نمی‌توان مقررات قانون مدنی را در آن حاکم دانست. طبق تعریف **دکتر فخاری** نیز، سند تجاری، سندی است قابل معامله و به نفع دارنده آن، معرف وجود طلبی در سررسید کوتاه می‌باشد و بین بازرگان در معاملات بازرگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اسناد تجاری در معنای عام و خاص: (دکتر اسکینی)

آنچه مورد بحث در حقوق تجارت ۳ بوده، معنای خاص اسناد تجاری است؛ یعنی اسنادی است که برای پرداخت و به عنوان وسیله پرداخت در امور تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرند و شامل چک، سفته و برات است. (در سایر کشورها نیز این موارد، به عنوان اسناد تجاری شناخته شده‌اند). بنابراین دو نوع اسناد تجاری را باید از هم مجزا نماییم:

□ **اسناد تجاری به معنای عام:** بارنامه، قبض انبار، اوراق قرضه، اوراق سهام و....

□ **اسناد تجاری به معنای خاص:** چک، سفته و برات (پس به طور نمونه اگر در آزمون طرح شد که چک سند رسمی است یا تجاری؟

پاسخ تجاری می‌شود؛ یعنی چک سند تجاری عادی است (همانند برات و سفته) که فقط چک در بین اسناد تجاری، به دلایل ویژگی‌های خاص آن در حکم اسناد لازم الاجرا محسوب می‌شود).

مطابق گفته **دکتر قربانی** در جزوه حقوق تجارتشان، در قانون تجارت سند تجاری تعریف نشده و در هیچ یک از مواد این قانون، اصطلاح مذکور استفاده نشده است؛ به جای آن قانونگذار در برخی از مواد از اوراق تجاری استفاده کرده است. البته در برخی مواد قانون تجارت مانند ۵۲۸ این قانون، واژه اوراق تجاری مترادف اسناد تجاری در معنای خاص مورد استفاده قرار گرفته است؛ در حالی که ماده ۱۰۲ این قانون، عبارت اوراق تجاری مترادف است با اسناد تجاری در معنای عام.

گوشزد: با همه نکاتی که در بالا ذکر شد {اینکه چک، سفته و برات سندی تجاری عادی محسوب می‌شوند (حتی چک هم سند تجاری رسمی نیست و در حکم سند رسمی لازم الاجرا است)} و به دلیل اینکه داوطلبان به اشتباه فکر می‌کنند که اسناد تجاری، اسناد رسمی هستند؛ این عدم دقت و یا عدم تسلط، بارها محل طرح سوال بوده است!

تعریف ۳ سند تجاری خاص (دکتر قربانی)

حال که معنای سند تجاری ذکر شد؛ لازم است تعریفی از سه سند تجاری ارائه دهیم:

□ **برات:** برخلاف سفته و چک در قانون تجارت، برات تعریف نشده است و تعریف آن مبتنی بر دکترین حقوقی است. مطابق این دکترین، عبارت است از نوشته‌ای که به موجب آن شخصی به دیگری دستور می‌دهد؛ مبلغ معلومی وجه نقد را در موعد معین یا عندالمطالبه به دارنده سند؛ پرداخت کند.

□ **چک:** برخلاف برات، چک در قانون تجارت تعریف شده است؛ مطابق ماده ۳۱۰ قانون تجارت، چک: نوشته‌ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد؛ کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار نماید. **(گوشزد:** شبیه ترین سند به برات: چک است)

ماده ۳۱۰ - چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.

نکته فرعی: در یکی از سوالات آزمونیه آمده که مطابق ماده فوق (۳۱۰) و ماده ۳ قانون صدور چک، بر صادرکننده چک تکلیف است که در زمان تاریخ چک، محل و وجه لازم را داشته باشد ولی این امر، شرط صحت صدور چک یا وصف تجارته آن نیست.

□ **سفته:** فته در لغت به معنای سند یا جواز است؛ لذا فته طلب به معنای سند طلب می باشد. سفته مانند چک دارای تعریف قانونی است:

ماده ۳۰۷ - فته طلب سندی است که به موجب آن امضاکننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.

نکته فرعی: برات و چک (یعنی هر دو تا) متضمن دستور پرداخت است؛ اما سفته متضمن، تعهد پرداخت است و نه دستور پرداخت.



مبحث دوم:

ویژگی های مشترک اسناد تجاری و تمایزات این اسناد، از سایر اسناد تجاری

اول) ویژگی های مشترک اسناد تجاری در معنای خاص: (دکتر اسکینی)

- ۱) هر سه سند وسیله پرداخت هستند. (دادن این اسناد به طلبکار، پرداخت بدهی محسوب نمی شود تا موجب برائت مدیون گردد.)
- ۲) هر سه سند وسیله کسب اعتبار هستند. (تاجر با دادن اسناد تجاری مدت دار و پذیرش آن از سوی فروشندگان کالا به واسطه این اسناد کسب اعتبار می نماید.)
- ۳) موضوع هر سه سند پول بوده و ارزش آنها به مبلغی است که در خود این اسناد درج شده است.
- ۴) این سه سند معرف وجود طلبی به نفع دارنده این اسناد می باشد.
- ۵) هر سه سند معمولاً دارای عمر کوتاهی می باشند. (سررسید این اسناد معمولاً زیر یک سال است. قرائتی در قانون تجارت وجود دارد که این ویژگی را ثابت می کند.)
- ۶) هر سه سند دارای تمبر مالیاتی هستند. (مبلغ تمبر مالیاتی برات و سفته متناسب با مبلغ آنهاست ولی تمبر چک صرف نظر از مبلغ آن ثابت است.)
- ۷) هر شخصی که در این سه سند دخالت کند در مقابل دارنده سند مسؤولیت دارد و مسؤولیت از نوع تضامنی است.
- ۸) هر سه سند جزء اسناد عادی هستند ولی از برخی امتیازات اسناد رسمی نیز برخوردارند. اسناد تجاری از جمله اسناد رسمی نیستند. (صدور قرار تأمین خواسته بدون پرداخت خسارت احتمالی در صورتی که مستند دعوی یکی از این سه سند باشد از امتیازات خاص آنها است.)
- ۹) این اسناد روابطی ایجاد می کنند که مستقل از روابط اصلی است. این روابط را روابط سندی می نامند. (اگر دو طرف بیعی را به انجام رسانند رابطه اصلی ایشان مشمول مقررات بیع است؛ ولی اگر خریدار چکی در اختیار فروشنده گذاشته باشد یک رابطه سندی هم میان ایشان به وجود می آید که از رابطه اصلی باید تفکیک شود.)

دوم) وجوه افتراق برات، سفته و چک با سایر اسناد تجاری: (دکتر عرفانی)

- ۱) برات، سفته و چک فقط مبین وجه نقد بوده و برای پرداخت های نقدی تنظیم می شوند؛ اما سایر اسناد تجاری معرف حق عینی برای دارنده اش می باشد. ضمناً اسناد مذکور با ظهر نویسی قابلیت انتقال دارند.
- ۲) برات، سفته و چک برای معاملات کوتاه مدت استفاده می شود اما اوراق بهادار مانند سهام، اوراق قرضه برای مدت طولانی پذیره نویسی می شوند.
- ۳) برات، سفته و چک برای اخذ اعتبارات و سرمایه گذاری کوتاه مدت (کمتر از دو سال) مورد استفاده قرار می گیرد؛ ولی اوراق بهادار برای سرمایه گذاری بلند مدت (از ۵ سال بیشتر)، در اختیار اشخاص داوطلب گذاشته می شود.
- ۴) اوراق بهادار، در بازار بورس، تحت شرایطی قابل معامله می باشند؛ در صورتی که برات، سفته و چک چنین خصوصیتی ندارند.
- ۵) برات، سفته و چک از لحاظ صدور، واخواست و وصول و صدور اجرائیه (در مورد چک) تشریفات خاصی دارند؛ اما سایر اسناد تجاری چنین تشریفات را ندارند.

ماهیت صدور سند تجاری: (دکتر قربانی)

صدور سند تجاری بدون توجه به نوع سند، **ماهیتاً نوعی عمل حقوقی دو طرفه (قرارداد) است؛** که با موافقت صادر کننده و دارنده سند منعقد می‌شود. (البته در برات و چک، اراده محال علیه نقشی در انعقاد قرارداد صدور سند، ندارد).

• قرارداد صدور سند تجاری، **جزء عقود عینی و تشریفاتی است.** عینی بودن آن به این دلیل است که تا سند به دارنده آن تسلیم نشده باشد؛ قرارداد صدور سند منعقد نمی‌شود. تشریفاتی بودن قرارداد صدور اسناد تجاری نیز به این دلیل است که این قرارداد باید به صورت کتبی منعقد گردد و در تنظیم آن نیز باید مواردی که با عنوان مندرجات الزامی سند قید شده‌اند؛ در صورت سند قید گردد. (تشریفاتی بودن)

نکته: قابل ذکر است که تنظیم اسناد تجاری بر روی فرم‌های چاپی، شرط اعتبار سند نیست. لذا اگر شخص الف سند تجاری را در روی چیزی غیر از فرم چاپی، البته با رعایت مندرجات الزامی قانون تنظیم کند؛ از حیث حقوقی، مشمول مقررات حاکم بر اسناد تجاری است.

• صدور اسناد تجاری یک از موارد اخذ و وصول مالیات است؛ یعنی برای صدور سند، صادر کننده بایستی مالیات بپردازد. مطابق قانون مالیات‌های مستقیم صدور سفته و برات ۳ در ۱۰۰۰ مبلغ مندرج در سند است؛ اما مالیات صدور چک به طور مقطوع ۲۰۰ ریال می‌باشد.

نکته: پرداخت مالیات صدور اسناد تجاری (الصاق تمبر مالیاتی) بر روی سند، شرط اعتبار این اسناد نیست؛ عدم رعایت مقررات حاکم بر مالیات صدور اسناد تجاری، طبق قانون مالیات‌های مستقیم تخلف مالیاتی است که مستلزم پرداخت جریمه‌ای ۲ برابر مبلغ مالیات علاوه بر مالیات قانونی است.

سوال فرعی: آیا شرط داوری اختلافات ناشی از سند تجاری مانند چک صحیح است؟ بله صحیح است و در خصوص طرف‌های شرط، دارای اعتبار می‌باشد.

سوال دکتری سال ۱۴۰۲: کدام مورد در خصوص وضع حقوقی شرط داوری اختلافات ناشی از سند تجاری، درست است؟

- (۱) در هر حال، باطل است.
 - (۲) اگر در متن سند تجاری تصریح شده باشد، صحیح و الا باطل است.
 - (۳) در هر حال، صحیح است و در خصوص طرف‌های شرط، دارای اعتبار می‌باشد.
 - (۴) اگر در متن سند تصریح شده باشد، نسبت به همه امضاء کنندگان قبل و بعد از آن صحیح است، و گرنه فقط در برابر طرف شرط، صحیح می‌باشد.
- گزینه ۳ صحیح است؛** شرط داوری اختلافات ناشی از سند تجاری در هر حال، صحیح است و در خصوص طرف‌های شرط، دارای اعتبار می‌باشد.



مبحث سوم:

مزایای اسناد تجاری

اسناد تجاری مختصراً **قابلیت انتقال ساده** داشته، دارنده سند تجاری از **تأمین بیشتر** برخوردار بوده و حاکم بودن **مسئولیت تضامنی** در این اسناد است. این موارد که به عنوان مزایای اسناد تجاری نام برده می‌شود.

بررسی بیشتر: مزایای اسناد تجاری نسبت به سایر اسناد عبارت است از (دکتر پاشایی و دکتر اسکینی)

مزیت اول*

□ **مزیت اول:** اسناد تجاری **وسیله طلب و انتقال وجه** می‌باشند؛ یعنی به جای اینکه افراد در معاملات خود پول رد و بدل کنند؛ اقدام به صدور یا تسلیم اسناد تجاری می‌کنند. از این مزیت اسناد تجاری به **وصف جایگزینی اسناد تجاری** تعبیر می‌گردد.

مزیت دوم*

□ **مزیت دوم:** در اسناد تجاری **مسئولیت تضامنی حاکم است؛ (البته مسئولیت تضامنی در اسناد تجاری خلاف اصل می‌باشد)**

اما در ق.ت وجود دارد) یعنی چنانچه در سر رسید، سند تجاری برات و سفته منجر به اعتراض عدم تأدیه گردد و یا چک منجر به صدور گواهی عدم پرداخت شود؛ دارنده سند تجاری می‌تواند مستنداً به ماده ۲۴۹ ق.ت. تجارت علیه همه مسئولین اقامه دعوی نماید.

لازم به یادآوری است: اقامه دعوی علیه ظهرنویسان مشروط به این است که دارنده سند تجاری به **وظایف قانونی خویش عمل** نموده باشد.

ماده ۲۴۹ - برات‌دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات **مسئولیت تضامنی** دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا بچند نفر یا بتمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات‌دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع بسایر مسئولین برات نیست - اقامه کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.

نکته: در خصوص ضمانت در اسناد تجاری، تعهد ضامن، **تعهدی مستقل و اصلی** است.

وظایف قانونی دارنده برات و سفته:

الف - اعتراض عدم تأدیه **در ظرف ده روز از سر رسید** مستنداً به ماده ۲۸۰ ق.ت و در مورد برات‌های به رؤیت و سفته‌های عندالمطالبه اقدام مقتضی **در ظرف یک سال از تاریخ صدور سند** مستنداً به ماده ۲۷۴ ق.ت

ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رؤیت یا به وعده از رؤیت تأدیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید والا حق رجوع به ظهرنویسها و همچنین به برات‌دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۸۰ - امتناع از تأدیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته که اعتراض عدم تأدیه نامیده می‌شود معلوم گردد.

ب - اقامه دعوی در ظرف یک سال یا دو سال از تاریخ اعتراض عدم تأدیه مستنداً به مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ ق.ت. تجارت.

ماده ۲۸۶ (اصلاحی) - اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواهد از حقی که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. تبصره - هر گاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخته شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.

ماده ۲۸۷ (اصلاحی) - در مورد برواتی که باید در خارج تأدیه شود اقامه دعوی بر علیه برات‌دهنده و یا ظهرنویس‌های مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید بعمل آید.

سوال دکتری سال ۱۴۰۱: در کدام مورد «سفته صادر شده» فاقد مزایای اسناد تجاری است؟

- (۱) صدور سفته در برگه عادی بدون الصاق تمبر مالیاتی
 - (۲) سفته عندالمطالبه‌ای که ظرف یکسال از تاریخ صدور مطالبه نشده است.
 - (۳) صدور سفته با مبلغ دو بیست میلیون ریال در فرم‌های چاپی که در حاشیه آن نوشته شده، سفته تا مبلغ یکصد میلیون ریال
 - (۴) صدور سفته از طرف شرکت با مسئولیت محدود توسط یکی از مدیران شرکت در فرضی که بر اساس اساسنامه، اسناد تعهدآور با امضای دو تن از مدیران معتبر است.
- گزینه ۲ صحیح است.**

و

و ... مطالب درسنامه در متن کتاب اصلی ادامه پیدا می‌کند...

گوشزد:

به دلیل اینکه در آزمون دکتری، از مطالب ریز و تخصصی، سوال آزمونی طرح می‌گردد؛ بخش‌هایی در کتاب ما با عنوان **مطالب تکمیلی** در همه فصول (اعم از حقوق تجارت و یا مدنی) وجود دارد!

مطلب تکمیلی:

تشریح اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات (دکتر فخاری)

ماده ۱۷ کنوانسیون ژنو راجع به برات و سفته، اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات را چنین تعریف کرده است:

« **ماده ۱۷-** اشخاصی که به موجب برات علیه آنها طرح دعوا شده است، نمی‌توانند در مقابل دارنده برات به روابط خصوصی خود با براتکش یا با دارندگان قبلی برات استناد کنند؛ مگر آنکه دارنده، هنگام دریافت برات آگاهانه به زیان بدهکار عمل کرده باشد.»

این تعریف، اگرچه ناظر به برات است، اما با توجه به قاعده دیگر که کلیه اسناد تجاری به مفهوم خاص را مشمول احکام واحد قرار داده است، سایر اسناد را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین یکی از آثار مهم **اصل استقلال امضاها**، غیر قابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده با حسن نیت است. به بیان ماده ۱۷ قانون متحدالشکل ژنو، اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات به این معناست که صاحبان امضای مورد تعقیب نمی‌توانند در برابر دارنده برات به روابط شخصی خود با براتکش یا دارندگان قبلی برات استناد کنند. منظور از روابط شخصی، همه روابط معاملاتی است که موجب صدور یا انتقال سند مزبور شده و همچنین اموری مانند پرداخت وجه برات یا تهاتر، تبدیل تعهد، که بین صاحبان امضا یا براتکش یا دارندگان قبلی (بد سابقه) واقع می‌شود.

همچنان که از تعریف فوق برمی‌آید، **ایرادات فقط در مقابل ید یا یدهای غیر مستقیم و با واسطه، قابل استناد نیست**، اما در مقابل شخصی که سند مستقیماً به او واگذار یا منتقل شده است، این ایرادات قابل استناد است. هر چند که تفکر جدیدی در راستای تقویت اسناد تجاری قوت گرفته است که به موجب آن حتی در مقابل ید مستقیم نیز نمی‌توان به ایرادات ناشی از تعهد پایه استناد جست، **لکن این نظریه:**

در قانون و رویه قضایی ایران پذیرفته نشده است.

محدودیت‌های حاکم بر اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات: (دکتر شهبازی نیا)

قلمرو اصل از چهار نظر محدود است:

- **اولاً**، اسناد مشمول اصل، معمولاً اسنادی است که ضرورت جانشینی آنها به جای پول، اجرای اصل را نسبت به آنها اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. چک، سفته و برات مصادیق بارز این‌گونه اسناد می‌باشد.
- **ثانیاً**، ظاهر ناشی از امضاء، مبتنی بر اراده معتبر در چارچوب اصل قرار می‌گیرد؛ بنابراین، **امضای صغیر یا امضای جعل شده** و نظایر آن هر چند ظاهر قابل اعتمادی را فراهم می‌آورد، **اما** به سود دارنده سند و به زیان صاحبان امضا قابل استناد نیست.
- **ثالثاً**، دارنده سند نیز **باید** دارنده **با حسن نیت** تلقی گردد. ملاک اصلی در تشخیص حسن نیت آن است که به هنگام تحصیل سند تجاری، سوء استفاده از امتیازات ناشی از عدم قابلیت استناد به ایرادات، تحقق نیافته باشد.
- **رابعاً**، دارنده سند در تحصیل آن مرتکب **تقصیر سنگین** نشده باشد؛ مثلاً: نمی‌دانسته سند دزدی است، اما سند ده میلیونی را به یک میلیون خریده است.

نکته: حقوق خصوصاً ایران به طور کلی **متکی بر ایده حمایت از مالک بوده** و حسن نیت و اعتماد به ظاهر، اصولاً اثری در تملک ندارد و اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در محدوده اسناد تجاری در ایران **فاقد دلیل قانونی بوده** و رویه قضایی نیز نسبت به آن **متزلزل** است؛ بدین ترتیب، «دکترین» تنها دلیل اثبات اصل در حقوق ایران است و برای تعیین قلمرو اصل در حقوق ایران، کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو (اسم دقیق: کنوانسیون‌های ژنو مصوب ۱۹۳۰ در خصوص سفته و برات) مناسب‌ترین قاعده برای جبران سکوت مقنن است. **(دکتر فخاری)**

۱ - ماده ۷۷ کنوانسیون ژنو راجع به برات و سفته، اصل مذکور را در مورد سفته نیز جاری می‌داند، بعلاوه، کنوانسیون ژنو راجع به چک نیز در ماده ۲۲، مفاد ماده ۱۷ کنوانسیون مذکور را تکرار کرده است.

برای درک بهتر موضع رویه قضایی درباره مفهوم اصل استقلال امضاها و اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات، نکات ذیل قابل توجه است.

گوشه: هر یک از نکات ذیل، یک رای دیوان عالی بوده که در یاورقی به شماره و تاریخ رای اشاره شده است.

□ **اول)** مستفاد از مواد ۳۱۰، ۳۱۲ و ۳۱۴ ق.تجارت این است که صادرکننده چک، وجوهی را که نزد دیگری دارد، می‌تواند به موجب آن شخصاً مسترد دارد یا به دیگری واگذار کند. در هر صورت، صادرکننده آن واگذارکننده وجه چک شناخته شده و مسئول تأدیه وجه در صورت استنکاف محال‌علیه از پرداخت آن می‌باشد. از مجموع مواد استفاده می‌شود که چک در وجه حامل مثبت انتقال وجه آن است که صادرکننده، مدیون دارنده آن و ضامن پرداخت وجه چک می‌باشد، در این صورت، عنوان استحقاق صادرکننده چک به استرداد وجه آن از دارنده چک برخلاف مستفاد از مواد مزبور خواهد بود.^۱

□ **دوم)** با ملاحظه ماده ۲۳۰ ق.تجارت و سایر مواد قانونی مربوط به برات و سفته، طلب عدم اشتغال ذمه دهنده سفته تأثیری در سقوط تعهد مشارالیه که به موجب سفته کرد، ندارد.^۲

□ **سوم)** به موجب مواد ۲۴۹ و ۳۰۹ ق.ت.ا. کسی که سفته داده است، در مقابل دارنده سفته مسئول است و اعتراض او (با عنوان وجه سفته به ظهر نویسر) وارد نخواهد بود.^۳

شرایط تحقق اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در اسناد تجاری: (دکتر فرحناکیان)

در حقوق ایران نظیر این ماده وجود ندارد، اما آنچه به کار می‌رود، اصل حسن نیت و عدم آن است. البته در مقررات راجع به اسناد تجاری، موادی (مواد ۲۳۰، ۲۳۱ و ۱۴۹ ق.ت.) هست که به دارنده سند حق می‌دهد به امضاکنندگان سند مراجعه کند. وقتی قانون‌گذار صراحتاً عده‌ای را مسئول تضامن می‌شناسد، دلالت می‌کند که خلافش قابل اثبات نیست و در قانون چک، اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات در مورد چک‌های مسافرتی و تضمینی پذیرفته شده است.

علاوه بر اینکه، دارنده با سوء نیت در قانون ایران تعریف نشده است؛ رویه قضایی نیز موضع روشن در این خصوص اتخاذ نکرده است، ولی به نظر می‌رسد در حقوق ایران، صرف آگاهی دارنده از جگونگی رابطه مسئولان سند کفایت می‌کند. اما در خصوص سوء نیت: سوء نیت موقعی محقق می‌شود که حامل در حین به دست آوردن برات اقدام به زیان محال‌علیه کرده باشد؛ یعنی بداند که در صورت الزام محال‌علیه به قبول برات او را ملزم به ایفای ناروا خواهد کرد. آرای ذیل در تأیید این تفسیر است:

□ **اول)** ... چک جزء اسناد تجاری محسوب و پس از صدور از منشأ خود منفک می‌شود، مخصوصاً انتقال آن به اشخاص ثالث دارای حسن نیت باشند موجب غیرقابل استناد بودن ایرادات نسبت به شخص ثالث می‌شود و در مانحن‌فیه استناد به ایراد امانی بودن چک، حتی اگر نسبت به گیرنده اولی قانونی باشد، نسبت به شخص ثالث غیرقانونی است؛ زیرا شخص ثالث اصولاً با حسن نیت چک را به انتقال گرفته و خواهان این بیرونده نیز هیچ دلیلی که خالی از سوء نیت خواننده در انتقال گرفتار چک باشد، ارائه نداده است.^۴

□ **دوم)** ... به موجب قانون صدور چک بلامحل، صادرکننده چک باید در تاریخ صدور، معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه داشته باشد و تخلف از آن، جرم است و لازم نیست چک در مقابل بدهی صادر و تسلیم شده باشد؛ زیرا چک از جمله اسناد تجاری است که در بازار بین اشخاص رد و بدل می‌شود بدون اینکه دارندگان آن... از انگیزه صدور آن اطلاع داشته باشند و به همین علت است که قانون‌گذار، صرف صدور چک بلامحل را جرم شناخته است.^۵

□ **سوم)** مورد دیگر تحقق اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات، این است که دارنده سند در تحصیل آن، مرتکب تقصیر سنگین (عمده) نشده باشد؛ مثلاً شخص نمی‌دانسته که سند دزدی است، اما سند ده میلیونی را به یک میلیون خریده است. (دکتر نظاری)

نکته: ایراد بطلان معامله میان براتگیر و برات دهنده در برابر دارنده برات که دارنده سند تجاری بوده قابل استناد نیست. پس اگر براتگیر ادعا کند که چون معامله مربوط به برات، فسخ شده و دین او به براتکش از بین رفته است و یا اگر ظهر نویسی در مقابل دارنده سند به بطلان معامله‌ای که با ظهر نویسی قبل از خود داشته استناد کند، موجب سلب مسئولیت و برائت ذمه وی از تعهد برواتی نخواهد شد.

و

و

و ... مطالب درسنامه (بعد از پایان مطالب تکمیلی) در متن کتاب اصلی ادامه پیدا می‌کند...

۱ - رأی شماره ۱۶/۴/۴۶-۷۱۶۰، شعبه چهارم دیوان عالی کشور

۲ - رأی شماره ۴/۵/۱۶-۲۱۰، شعبه چهارم دیوان عالی کشور

۳ - رأی شماره ۴/۲/۲۷-۲۰۱، شعبه سوم دیوان عالی کشور

۴ - رأی شماره ۶۳۲ - ۱۹/۹/۷۳، شعبه ۶۵ دادگاه حقوقی ۲ تهران

۵ - رأی شماره ۱/۱/۷۱-۲۳۶، شعبه ۱۶ دیوان عالی کشور،

نکات مهم

• **نکته: وصف تجریدی بودن سند تجاری:** به این معنا است که وقتی یک سند تجاری بابت معامله‌ای صادر می‌شود؛ تعهد سند تجاری به مجرد صدور از تعهد پایه جدا می‌شود و یک تعهد مستقل است.

• **نکته:** وصف تجریدی بودن، ۲ اثر مهم دارد که عبارت است از:

۱- **اصل عدم توجه به ایرادات (غیرقابل استناد بودن ایرادات):** اصل بر غیرقابل استناد بودن ایرادات و ادعاها

است. همچنین اصل بر غیرقابل استناد بودن ایرادات در مقابل دارنده است؛ البته دارنده با حسن نیت و دارنده با سوء نیت احکامش فرق می‌کند. اصل بر آن است که **دارنده. با حسن نیت بوده** است و از ایراد مطلع نیست و اینکه بعداً متوجه آن شود. اصل عدم علم است؛ ماده ۳۰۵ قانون مدنی، اصل را بر جاهل بودن گذاشته است.

۲- **اصل استقلال امضائات:** یعنی اینکه هر کسی در سند تجاری، امضائی کند؛ امضای او مستقل از دیگران اعتبار

دارد و اگر امضای او معتبر نباشد؛ سایرین که سند تجاری را امضاء کرده‌اند؛ نمی‌توانند به این اعتبار که شخص فاقد اهلیت، سند تجاری را امضاء کرده از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند.

• **نکته: اسناد تجاری دارای دو گروه از مندرجات است؛ (دکتر فرحناکیان)**

مندرجات الزامی: منظور مواردی است که قید آنها در صورت سند، شرط اعتبار آن و شمول مقررات حاکم بر اسناد تجاری نسبت به سند است.

مندرجات اختیاری: منظور مواردی است که با توافق صادر کننده و دارنده سند به عنوان شروط ضمن عقد در صورت سند درج می‌شود و عدم درج آن به اعتبار سند، خللی وارد نمی‌سازد. (قابل ذکر است که از حیث مندرجات اختیاری تفاوتی بین برات، سفته و چک وجود ندارد اما مندرجات الزامی آنها با یکدیگر متفاوت است.)

و
و
و
...

سوالات آزمونی دکتری:

۱- سوال دکتری سال ۱۴۰۲: در متن چک صیادی هیچ قید و شرطی نوشته نشده است، اما در قرارداد فیما بین صادر کننده و دارنده قید شده که چک مزبور بابت تضمین قرارداد است. در صورت برگشت چک، حقوق دارنده چک، کدام است؟

- (۱) درخواست صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و حق الوکاله وکیل از دادگاه، مشروط به دادن تامین مناسب
- (۲) فقط طرح دادخواست علیه صادر کننده به خواسته الزام به پرداخت وجه چک و خسارت تأخیر تأدیه از دادگاه
- (۳) درخواست صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و خسارت تأخیر تأدیه از دادگاه
- (۴) درخواست صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک از دادگاه

گزینه ۴ صحیح است؛ مطابق ماده ۲۳ قانون صدور چک اصلاحی ۱۳۹۷، دارنده چک در این صورت، می‌تواند درخواست صدور اجرائیه نسبت به کسری مبلغ چک و خسارت تأخیر تأدیه از دادگاه داشته باشد. ضمناً یکی از شرایطی که می‌توان درخواست صدور اجرائیه نمود، این است که «در متن چک قید نشده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.» این مقرر در بند ب ماده ۲۳ ذکر شده و در سوال فوق نیز در متن چک نوشته نشده که چک بابت تضمین انجام معامله است و از این رو وجود قرارداد جداگانه، مانعی ایجاد نمی‌نماید.

۲- سوال دکتری سال ۱۴۰۰: چکی پس از صدور، در چند مرحله انتقال یافته است. در صورتی که دارنده ماقبل آخر چک آن را به یکی از ظهرنویسان منتقل کرده باشد، در خصوص حق رجوع انتقال گیرنده (دارنده فعلی چک)، کدام مورد صحیح است؟

- (۱) اگر قبل از برگشت چک به او انتقال یافته باشد، حق رجوع به تمام امضاکنندگان چک را دارد.
 - (۲) اگر قبل از برگشت چک به او انتقال یافته باشد، فقط حق رجوع به امضاکنندگانی را دارد که قبل از ظهرنویسی خود، حق رجوع به آنان را داشته است.
 - (۳) در هر مرحله ای چک به او انتقال یافته باشد، فقط حق رجوع به امضاکنندگانی را دارد که قبل از ظهرنویسی خود، حق رجوع به آنان را داشته است.
 - (۴) اگر بعد از برگشت، چک به او انتقال یافته باشد، فقط حق رجوع به امضاکنندگانی را دارد که قبل از ظهرنویسی خود، حق رجوع به آنان را داشته است.
- گزینه ۲ صحیح است؛ چنانچه چک قبل از برگشت به او انتقال یافته باشد؛ دارنده فعلی، فقط حق رجوع به امضاکنندگانی را دارد که قبل از ظهرنویسی خود، حق رجوع به آنان را داشته است.

و
و
و

و... سوالات در متن اصلی کتاب تا شماره ۹۰ از سوالات دکتری نیمه متمرکز و عموماً با پاسخ تشریحی ادامه پیدا می‌کند.

آرای وحدت رویه در امور تجاری

رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

رای وحدت رویه شماره ۸۲۴ - ۱۴۰۱/۶/۱

با توجه به اینکه در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، شرط «تمکن مدیون» به طور مطلق، بیان شده و در مقررات خاص راجع به چک حکم مغایری پیش بینی نشده و چک از این جهت فاقد خصوصیت است، بنابراین در مواردی که به موجب حکم دادگاه، اعسار محکوم علیه، به نحو کلی یا با تعیین مهلت و یا اقساط، ثابت شود، از تاریخ ثبوت اعسار، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه وجه چک نیز متوقف می شود. بدیهی است در موارد صدور حکم اعسار با تعیین مهلت یا اقساط، به لحاظ احراز تمکن مدیون در حدود مقرر، در صورت تأخیر، از موعد یا مواعد تعیین شده، حسب مورد، به دین یا هر یک از اقساط معوق، خسارت تأخیر تأدیه تعلق می گیرد.

رای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شماره ۸۱۲ - ۱۴۰۰/۴/۱

مطابق ماده ۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات و الحاقات بعدی، صادر کننده باید در تاریخ مندرج در چک معادل مبلغ ذکر شده در آن، در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و برابر تبصره الحاقی (۱۰/۰۳/۱۳۷۶) به ماده ۲ قانون اخیرالذکر و قانون استفساریه این تبصره مصوب ۲۱/۹/۱۳۷۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مبدا محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم، تاریخ چک است. بنابر این خسارت تأخیر تأدیه وجه چک برابر مقررات مذکور که به طور خاص راجع به چک وضع شده است، محاسبه می شود و از شمول شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خارج است.

و
و
و

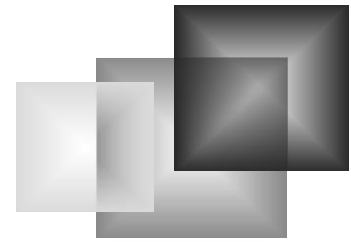
و... در کتاب اصلی همه آرای وحدت رویه در امور تجاری آمده و آرای ذکر شده ادامه پیدا می کند.

۰۹۱۲۲۱۰۹۳۱۹-۰۲۱۱

بخش دوم:
حقوق مدنی

نشر حقوقی علما

۱۹



منابع اصلی استفاده شده در مبحث قرض:

۱. کتاب قانون مدنی در نظم حقوق کنونی دکتر ناصر کاتوزیان، نشر میزان.
۲. دوره عقود معین، جلد ۲ و جلد ۴، دکتر ناصر کاتوزیان، شرکت سهامی انتشار.
۳. کتاب حقوق مدنی دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، انتشارات گنج دانش.
۴. کتاب حقوق مدنی، مصطفی عدل، انتشارات بحر العلوم.
۵. کتاب آثار قبض در حقوق مدنی ایران همراه با آراء فقهای امامیه، علامه علی حائری، نشر تابان.
۶. کتاب حقوق مدنی، ج ۲، سید حسن امامی، انتشارات اسلامی.
۷. حقوق مدنی ۶ عقود معین (یک)، دکتر پرویز نوین و عباس خواجه پری، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۸. کتاب سوال و جواب: استفتائات و آراء فقیه کبیر سید محمد کاظم یزدی، مرکز نشر علوم اسلامی.
۹. کتاب جامع نکات حقوق مدنی، دکتر مهرداد رمانی و دکتر فهیمه تقوی مندی، نشر دوران‌دیشان.
۱۰. جزوه حقوق مدنی (۱-۸) دکتر شهبازی.
۱۱. جزوه آیت الله گرامی.
۱۲. شرح قانون مدنی دکتر بیات.
۱۳. مجموعه پرسش‌های چهارگزینه‌ای دکتر قربانی.
۱۴. کتاب صفر تا صد حقوق مدنی، نشر کمک آزمون.
۱۵. مقاله: «کلیات عقد قرض»، دکتر جعفر جعفری لنگرودی.
۱۶. مقاله: «مقایسه عقد رهن با معامله با حق استرداد با رویکرد رویه قضایی» نوشته غلامعلی صدقی، مجله فقه و حقوق خصوصی، سال ۱۳۹۹.
۱۷. مقاله: «عقد قرض، عقدی عینی یا رضائی، با رویکرد به آرای حضرت امام خمینی»، نوشته حسین داورزنی و خسرو مومنی، پژوهشنامه متین، دوره ۱۱، شماره ۴۵ - شماره پیاپی ۴۵، اسفند ۱۳۸۸.
۱۸. مقاله: «نقش قبض در عقد قرض»، عبدالرضا علیزاده، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۶، سال ۱۳۸۲.
۱۹. مقاله: «اثر قبض در بعضی از عقود متعارف میان افراد جامعه»، آرزو عامری، فصلنامه قانون یار - دوره سوم - شماره نهم - بهار ۱۳۹۸.
۲۰. مقاله: «وضعیت حقوقی شرط قرض در عقد اجاره»، جواد شیخ سیاه، ماهنامه کانون، پیاپی ۱۰۱، بهمن ۱۳۸۸.
۲۱. مقاله: «شرط قرض در عقد اجاره»، نوشته دکتر علی اکبر ایزدی فرد، فصلنامه مطالعات اسلامی، دوره ۳۸، شماره ۱ - شماره پیاپی ۷۱، فروردین ۱۳۸۵.
۲۲. مقاله: «شرط رهن در عقد اجاره»، نوشته دکتر علی اکبر ایزدی فرد، مجله مقالات و بررسی‌ها، شماره ۶۷، سال ۱۳۷۹.

عقد قرض

(مواد ۶۴۸ تا ۶۵۲ ق.م)

گواشرد:

نمونه فقط از مبحث قرض (از حقوق مدنی ۷) آورده می شود.

مفهوم: قرض آن است که انسان مالی را به دیگری تملیک نماید (به ملکیت او در آورد)؛ به گونه‌ای که طرف مقابل در ذمه‌اش ضامن آن مال باشد، یعنی اگر مال مذکور از اموال مثلی است، مثل آن و چنانچه از اموال قیمی است، قیمت آن را به قرض دهنده بدهکار شود. به این عمل رد مال قرضی می‌گویند.

قرض یکی از عقود معین در قانون مدنی است که مواد ۶۴۸ الی ۶۵۲ ق.م به آن اختصاص داده شده است. (قابل ذکر است؛ آخرین ماده مرتبط با مبحث قرض یعنی ماده ۶۵۳ ق.م منسوخ شده است) در عقد قرض دو طرف وجود دارد:

- **مُقْرِض (قارض و یا وام دهنده):** قرض دهنده
- **مُقَرَّر (مقروض یا وام گیرنده):** قرض گیرنده

ماده ۶۴۸ - قرض عقدی است که بموجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را بطرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف {کدینگ: موج} رد نماید و در صورت تعذر رد مثل، قیمت یوم‌الرد را بدهد.

از این ماده (۶۴۸ ق.م) و از این تعریف خصوصیتی برای قرض پیدا می‌شود که در واقع مباحث قرض را ضمن این خصوصیات می‌خوانیم: مطابق ماده ۶۴۸ ق.م قرض، عقدی است که یک نفر (مقروض) مالش را به دیگری **تملیک می‌کند** که آن دیگری **مثلیش** را بعداً پس بدهد. در اینجا قرض گیرنده اجازه دارد که طبق ماده ۳۰ ق.م^۱ هر نوع تصرف مالکانه‌ای در مال قرضی انجام دهد. برای مثال، یک کشاورز ۵۰۰ کیلو گرم از برنج زمین خود را به صاحب زمین مجاور که امسال زمین او محصول خوبی نداشته است، تملیک می‌کند (قرض می‌دهد) تا کشاورز (مقترض) هم از این محصول استفاده کند و بخشی از آن را نیز بفروشد و از این راه، درآمد خانواده خود را تامین کند. در مقابل، از کشاورز می‌خواهد که در مدت معین، همان مقدار برنج را به او برگرداند. در حقیقت، قرض دهنده به وام‌گیرنده **اذن تصرف در مال خود با شرط ضمان** را می‌دهد. به همین دلیل است که گفته‌اند قرض، **از سنخ ضمانات است؛ یعنی قرض برای قرض‌گیرنده مسئولیت ناشی از عقد را به وجود می‌آورد.**

تفاوت قرض با دین:

عنوان دین غیر از عنوان قرض است؛ در کتاب دین می‌گویند مالی که در ذمه انسان هست و انسان به دیگری بدهکار می‌شود دین است. دین اسباب متعددی دارد، برخی از اینها قهری است و برخی از اینها اختیاری است؛ یکی از **اسباب اختیاری دین**، قرض است. قرض عقد است و یکی از **علل و اسباب دین** است؛

نکته: رابطه قرض و دین: **عموم و خصوص مطلق است.**

سوال شبیه ساز: کدامیک از موارد ذیل قرض محسوب می‌شود؟

- | | |
|-----------------------|---------------------|
| (۱) تملیک دین | (۳) تملیک منفعت مال |
| (۳) واگذاری حق انتفاع | (۴) هیچکدام |

گزینه ۴ صحیح است. قرض عقدی است که به موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار و جنس و وصف رد نماید و در صورت تعذر رد مثل قیمت یوم‌الرد را بدهد.

۱ - ماده ۳۰ - هر مالکی نسبت بمایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

عقد یا ایقاع بودن قرض:

عقد بودن قرض در ماده ۶۴۸ ق.م. به صراحت بیان شده است (قرض عقدی است که...؟)؛ ملاک عقد بودن در قانون مدنی این نیست که ایجاب و قبول هر دو از جنس الفاظ باشند؛ بلکه در هر مورد که تاثیر یک طرفی اراده به ضرر طرف مقابل باشد؛ در آنجا برای ایجاد آثار حقوقی توافق دو اراده (ترازی) شرط است و این ترازی بمأخذ قانون مدنی ما عقد است. با این برداشت، قرض، **عقد** می‌باشد.

ایجاب و قبول در قرض:

قرارداد قرض نیاز به ایجاب و قبول دارد؛ یعنی برای برقراری آن، تنها نیاز به ایجاب و قبول است. مثل اینکه قرض‌دهنده بگوید: «این مال را به تو قرض دادم» و قرض‌گیرنده بگوید: «قبول کردم» یا هر لفظ دیگری که بیانگر این دو معنا باشد؛ لذا نیاز به انجام کار دیگری مثل قبض و تسلیم نیست. البته **ترتب آثار و ملکیت قرض‌گیرنده** نسبت به مال قرض داده شده و اشتغال ذمه‌اش بر مثل، **متوقف بر قبض و اقباض است**. اشتغال ذمه به معنای عهده‌دار شدن تکلیف است و قبض و اقباض نیز به معنای رد و بدل کردن مال است. براساس تعریفی که قانون مدنی از قرارداد ارائه داده است، قرارداد به صورت شفاهی هم تنظیم می‌شود. همچنین عربی بودن ایجاب و قبول شرط نیست و با هر لغتی منعقد می‌شود.

نکته: قرض، «عقد» می‌باشد و برای محقق شدنش، لازم است «ایجاب و قبول» به صورت لفظی یا عملی صورت گیرد.

قرض معاطاتی:

معاطات عبارت است از مبادله و داد و ستد بدون عقد مخصوص؛ در حقیقت معاطات به هر معامله و معاوضه گفته می‌شود که در آن ایجاب و قبول (صیغه مخصوص) وجود نداشته باشد؛ اعم از اینکه لفظ دیگری گفته شود یا گفته نشود. عقد قرض هم به صورت لفظی واقع می‌شود و هم به صورت عملی که قرض معاطاتی می‌گویند؛ از این رو اگر فرد مالی را به عنوان قرض به دیگری دهد و او هم به همین قصد بگیرد، قرض محقق شده است (قرض معاطاتی). بنابراین: **قرض معاطاتی صحیح می‌باشد.**

نکته: عقد قرض بدون لفظ و به وسیله معاطات نیز محقق می‌شود.

قصد در عقد قرض:

یک نکته که ممکن است در آزمون داوطلب را گیج کند؛ بحث قصد است. اینکه اگر مقرض به **قصد قرض**، مالی را بپردازد و دیگری با **همان قصد** بگیرد، قرض منعقد می‌شود؛ (که اینجا اگر لفظی گفته نشود و عملی باشد؛ معاطات گفته می‌شود) اما فرض کنید شخصی برای ساخت خانه خود، مقداری آجر از همسایه خویش قرض می‌کند، به قصد این که بعداً باید قیمت آن را به مقرض بدهد. در اینجا قصد مقرض با **مقتضای عقد قرض که پرداخت مثل بوده، تفاوت دارد و قرض صحیح نمی‌باشد.** همچنین اگر شخصی مالش را به دوستش بدهد با این قصد که مال را قرض نمی‌دهد بلکه هدفش پس گرفتن عین بوده و نخواهد آن را به تملیک دهد؛ در اینجا نیز عقد، قرض نیست.

قبض در عقد قرض:

قبض هر مالی با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های آن مال، شیوه‌ای مختص به خود دارد. از طرفی، هیچ لزومی ندارد که برای تحقق قبض، تصرف بر مال نیز صورت گیرد؛ زیرا ممکن است که با اطلاع خریدار، مال مورد معامله به انبار او منتقل شود، یا مالی که از قبل به عنوانی دیگر (مثل امانت) در اختیار او بود، اکنون به او قرض داده شود و قبض در این حال، استمرار یافتن همان تصرف پیشین است. (امامی-کاتوزیان). به همین علت است که ماده ۳۶۸ قانون مدنی می‌گوید: **تسلیم وقتی حاصل می‌شود که مبیع تحت اختیار مشتری گذاشته شده باشد، اگرچه مشتری آن را هنوز عملاً تصرف نکرده باشد.**

شرطیت قبض در عقد قرض: هر چند شیوه قانون مدنی، با توجه به مشهور بودن قول به شرطیت قبض در فقه، در موارد مشابه (مانند حبس و هبه) بدین نحو بوده است که شرطیت قبض را به صراحت بیان کند. از سویی، با توجه به ضعف ادله حقوقدانانی که با استناد به برخی مواد قانون (۶۴۹ و ۶۵۱ ق.م) درصد اثبات شرطیت قبض برآمده‌اند و نیز **با پذیرش اصل رضایی بودن عقود و قراردادهای در حقوق کنونی ایران**، می‌توان به این نتیجه رسید که **باید در حقوق موضوعه، به رضایی بودن عقد قرض و تحقق آن به صرف ایجاب و قبول (تحقق ترازی) قایل شد (بنابراین عقد قرض به سبب عقد حاصل می‌گردد و نیازی به قبض ندارد).**

البته همان‌طور که برخی نویسندگان اشاره کرده‌اند، این حکم در صورتی صادق است که مال موضوع قرض، **عین معین** باشد و **الّا اگر کلی باشد**، در صورتی مالکیت آن به قرض‌گیرنده انتقال می‌یابد که تعیین شده و به قرض‌گیرنده تسلیم گردد. (امامی) نکته شایان توجه این است که در این مورد نیز اگر عقد قرض را تملیکی و رضایی بدانیم، مقتضای قاعده آن است که به محض تعیین شدن آن، مالکیت به قرض‌گیرنده انتقال یابد و تسلیم در این‌جا نیز مدخلیت نخواهد داشت؛ زیرا اگر همه افراد کلی از بین برود و فقط به تعداد و مقداری که به مشتری فروخته شده در انبار فروشنده باقی بماند؛ آن مال خودبه‌خود تملیک می‌شود و نیازی به تسلیم نیز ندارد. (کاتوزیان) پس در این‌جا نیز تعیین - یا حتی تعیین - مبیع یا مال موضوع قرض، موجب انتقال مالکیت خواهد شد و تسلیم و قبض، فقط در تحقق تعهد منتقل الیه، مؤثر است.^۱

وضعیت ضمان معاوضی: سرانجام، باید خاطر نشان کرد تفسیری که از ماده ۶۴۹ قانون مدنی شده است نیز درست نیست؛ زیرا به طور کلی در معاملات تملیکی (ماده ۳۸۷) و معوض، قاعده این است که اگر مال قبل از تسلیم به طرف مقابل، تلف شود، آن تلف از مال انتقال دهنده محسوب می‌شود؛ در این صورت، هرچند ملکیت مال به طرف مقابل انتقال یافته، **ولی ضمان معاوضی هنوز بر عهده ناقل است و این ضمان فقط با تسلیم انتقال می‌یابد.** البته اگر در حقوق ایران، ضمان معاوضی تابع مالکیت بود، به گونه‌ای که همراه با انتقال مالکیت، ضمان نیز منتقل می‌شد، در این صورت از مفهوم مخالف ماده ۶۴۹ قانون مدنی چنین برداشت می‌شد که ملکیت مال موضوع قرض، برای قرض دهنده تا زمان تسلیم و قبض باقی می‌ماند. اما می‌دانیم که در حقوق ایران، ضمان معاوضی تابع تسلیم است. (امامی، کاتوزیان)

جمع بندی □ تملیک در عقد قرض به سبب عقد حاصل می‌گردد و قبض هیچ اثری در تملیک ندارد (امامی، کاتوزیان و عدل)

شرایط اساسی قراردادها در عقد قرض:

• **اولاً:** مَقْرَض و مُقْتَرَض (هر دو آنها) باید برای انعقاد قرض **اهلیت** داشته باشند و هیچ یک محجور نباشند. مطابق ماده ۱۲۴۱ ق.م. «قیم نمی‌تواند برای مولی‌علیه، بدون ضرورت و احتیاج، قرض کند مگر با تصویب مدعی‌العموم». بنابراین، قیم بعد از آنکه ضرورت گرفتن وام برای مولی‌علیه توسط مدعی‌العموم اثبات گردید، می‌تواند برای او وام بگیرد. البته در موارد ضروری که نتوان پیش از انعقاد عقد قرض از مقام قضایی اجازه گرفت، قیم بدون اجازه مدعی‌العموم می‌تواند قرض کند. اگر قیم بخواهد معامله‌ای کند که مدیون مولی‌علیه می‌شود (بیع نسبه)، باید با تصویب مدعی‌العموم باشد و مدعی‌العموم برای آنکه اجازه دهد؛ لازم است ملاتت قیم را احراز نماید. بنابراین، قرض گرفتن قیم از مولی‌علیه نیز به تصویب مدعی‌العموم نیاز دارد هر چند که قرض را نمی‌توان معامله به معنای دقیق آن دانست (ماده ۱۲۴۱ ق.م). ولی خاص (پدر و جد پدری) برای گرفتن قرض نیازی به اجازه مدعی‌العموم ندارند اما اگر مصلحت مولی‌علیه را رعایت نکنند عقد باطل است.

نکته: برای اینکه قرض به صورت صحیح واقع شود، هر یک از قرض دهنده و قرض گیرنده باید نابالغ و دیوانه و سفیه نباشند و قرض دادن و قرض گرفتن را با قصد و اختیار انجام دهند؛ همین طور، قرض دهنده نسبت به مالی که قرض می‌دهد، **مالک یا در حکم مالک** (مانند وکیل یا ولی شرعی مالک) باشد (بنابراین بدون اجازه دیگران علی نمی‌تواند مال دیگران را به دوستش حسین قرض دهد). و نیز جزء سایر افرادی که از تصرف در اموال خود ممنوع هستند (مانند مفلس) نباشد.

• **ثانیاً:** مالی که مورد قرض قرار می‌گیرد؛ **باید از نظر شرعی و عرفی مالیت داشته باشد.** بنابراین خوک و مسکرات را نمی‌توان قرض داد.

• **ثالثاً:** عقد قرض **باید معلوم و معین باشد** و طرفین بدانند که درباره چه موضوعی با هم توافق می‌کنند. هنگامی که از معلوم بودن موضوع عقد صحبت می‌کنیم؛ منظورمان مشخص بودن **مقدار، جنس و وصف** آن چیزی است که قرض داده می‌شود. منظور از معین بودن نیز مردد نبودن است؛ یعنی دقیقاً بدانیم چه چیزی را قرض می‌دهیم و نگوییم یا این کیسه برنج یا آن یکی کیسه برنج را، به تو قرض می‌دهم. باید دقیقاً مشخص باشد کدام کیسه موضوع قرض واقع می‌شود. البته **نیازی نیست بهای موضوع قرض در قرارداد مشخص شود.**

کدینگ: موج: مقدار / وصف / جنس

نکته: قرض عقدی است معوض و مانند عقود معوض دیگر دارای دو مورد می‌باشد که هر یک در مقابل دیگری قرار می‌گیرد.

- یکی از آن دو مورد مالی است که مقرض به وسیله عقد، آن را به مقترض تملیک می‌کند
- و دیگری مثل مالی است که مقرض به مقترض داده است که مقترض متعهد می‌شود آن را به مقرض رد کند.

نکته: نمی‌توان یکی از دو مال را اگر چه از جمیع جهات مساوی باشد مورد قرض قرار داد، زیرا عین غیر معین در خارج قابل تملیک نمی‌باشد؛ همینطور که مورد قرض نباید از جمیع جهات برای طرفین مبهم باشد، نمی‌توان به مثل آن متعهد نمود چنین معامله‌ای غرری است.

• **رابعاً: مال القرض باید عین معین باشد.** بنابراین نمی‌توان دین و منفعت را قرض داد. چون قابلیت تملک و به ملکیت در آمدن را ندارد. لذا در صورتی که تملیک منفعت مال یا دین یا واگذاری حق انتفاع صورت بپذیرد؛ این قرارداد عقد قرض نمی‌باشد و بر پایه ماده ۱۰ قانون مدنی **قراردادی نامعین و صحیح** می‌باشد.

جمع بندی

(۱) مَقْرَضٌ و مَقْتَرَضٌ (هر دو آنها) باید برای انعقاد قرض اهلیت داشته باشند و هیچ یک محجور نباشند.

(۲) مالی که مورد قرض قرار می‌گیرد؛ باید از نظر شرعی و عرفی مالیت داشته باشد. بنابراین خوک و مسکرات را نمی‌توان قرض داد.

(۳) عقد قرض باید معلوم و معین باشد و طرفین بدانند که درباره چه موضوعی با هم توافق می‌کنند.

(۴) مال القرض باید عین باشد؛ بنابراین نمی‌توان دین و منفعت را قرض داد. چون قابلیت تملک و به ملکیت در آمدن را ندارد.

خصوصیات عقد قرض:

۱. **قرض عقدی است تملیکی:** عقد تملیکی عقدی است که نتیجه آن انتقال مالکیت از یک نفر به نفر دیگر باشد؛ مانند بیع و اجاره. در ماده ۶۴۸ ق.م. کلمه تملیک آمده **(قرض موجب تملیک است)**. مقرض مال را به مقترض تملیک می‌کند. بنابراین مقرض، مورد قرض را به مالکیت مقترض در می‌آورد و او می‌تواند هرگونه تصرفی را که بخواهد در آن بنماید. مهمترین فرق قرض با عاریه این است که **در قرض طرف مالک می‌شود و در عاریه طرف مالک نمی‌شود**. چون عاریه عقدی است اذنی و قرض عقدی است تملیکی. در عاریه طرف (مستعیر) عین مال را پس می‌دهد؛ ولی در قرض مثل مال را پس می‌دهد. یعنی در قرض مالک می‌شود و بعداً مثلش را پس می‌دهد؛ اما در عاریه مالک مال نمی‌شود و عین آن را پس می‌دهد.

تاریخ تملک مال القرض از طرف مقترض:

در این مورد سه احتمال را می‌توان مورد مطالعه قرار داد:

- **اول _ مقترض از حین عقد قرض، مالک مال القرض می‌شود.** ظاهر عبارت قرض عقدی است که موجب آن احد طرفین مقدار معینی از مال خود را بطرف دیگر تملیک می‌کند.... این است که قانون مدنی همین نظر را اختیار کرده است. این نظریه در فقه سابقه‌ای ندارد و تسامح در تعبیر است.
- **دوم (نظر پذیرفته شده) _ مقترض از حین قبض (تسلیم) مال القرض، مالک می‌شود.** این قول بین فقهاء مشهور (صاحب جواهر، امام خمینی، ابن ادریس و...) است و اکثراً طرفدار آن هستند. حدیثی هم در فقه شیعه مطابق همین نظر وجود دارد که به نظر ما (دکتر لنگرودی) این حدیث ترجمان عمل عرف و عادت در مورد عقد قرض است؛ زیرا عرفاً بعد از قبض مال القرض، وام گیرنده خود را مالک آن دانسته و مثل مالک در آن رفتار می‌کند. علت اینکه عرف و عادت نظر اول را نپذیرفته این است که عقد قرض از عقود مبتنی بر احسان است و در اینگونه عقود، از باب مماشات با احسان کننده، سعی می‌شود که از تاریخ اقباض (نه از تاریخ تراضی) دستش را از مالش کوتاه کنند.
- **سوم _ مقترض از حین تصرف در مال القرض مالک آن می‌شود.** اقلیتی از فقهاء تابع این نظرند. اشکال این نظر فراوان است:

الف _ تصرف باید مسبوق به ملک باشد نه اینکه تصرف، علت حصول ملک باشد؛ پاسخی که از این اشکال می‌دهند قابل توجه نیست.

ب _ در فاصله بین قبض و تصرف باید ناگزیر مال القرض بطور امانت نزد مقترض و مقترض امانت داری کند و منافع آن را نگهدارد. در صورتی که این زحمتی است که غالب مردم از آن روی گردانند.

نکته: ماده ۶۴۸ ق.م. عقد قرض را **منشاء تملیک** معرفی کند؛ نه علت تملیک.

نکته: مال القرض از تاریخ قبض، ملک مقترض می‌شود. تملک باید به محض صدق قرض واقع شود و نباید بر قبض موقوف باشد.

۲. مال موضوع قرض باید مثلی باشد و نمی‌تواند عین معین باشد: زیرا اگر مورد قرض عین باشد و مقترض بخواهد که پس از انتفاع همان عین را به عنوان مثل به مقترض مسترد دارد، این کار **مصدق عاریه** را پیدا می‌کند نه قرض.

نکته: تنها عقدی که در قانون مال موضوع آن باید مثلی باشد، عقد قرض است، مثلی بودن در زمان عقد معتبر است. اگر کسی یک مال قیمی به دیگری تملیک کند که آن دیگری بعداً قیمتش را بدهد این قرض نیست و **می‌تواند بیع باشد**. همچنین اگر یکی مالی را قرض بگیرد و قصدش بعداً پرداخت قیمت آن باشد؛ این موضوع نیز قرض نیست.

اگر هنگام عقد قرض مال مثلی بود؛ ولی بعداً مثل آن مال نیست؛ در این هنگام قیمت را باید پس بدهد. قانون گفته مقترض **قیمت زمان اداء** را بدهد؛ درست مانند غصب (ماده ۶۴۸ فوق‌الذکر). بنابراین هرگاه رد مثل، متعذر باشد (و عین مال القرض هم ناقص یا تلف شده باشد) به موجب ماده ۶۴۸ قیمت یوم الرد (نه روز انقضاء موعد قرض در قروض موجله) باید داده شود؛ زیرا مثل مال القرض وقتی که در ذمه مستقر شد؛ تعذر مثل و نیز مطالبه قرض از طرف قارض، موجب انقلاب ذمه از مثل به قیمت نمی‌شود؛ پس مال القرض **همچنان بر ذمه مدیون باقی است تا وقتی که از طریق دفع قیمت، ذمه فارغ گردد.** (دکتر لنگرودی)

مثال: کسی پیکان صفر را به شما قرض داده و شما می‌شوید مالک. بعداً تو یک پیکان صفر برای طرف می‌گیری و اگر پیکان صفر دیگری نبود؛ قیمت زمان اداء را می‌دهی. اگر مال قرض مثلی باشد و بعداً مثلش باشد؛ ولی مالیت نداشته باشد (ماده ۳۱۲)^۱ در قرض ماده مرتبط ندارد و در غصب ماده دارد (مثال سکه پهلوی) که **آخرین قیمت را** می‌دهد.

نکته: در قرض مال باید مثلی باشد، خواه مصرف شدنی باشد و خواه مصرف نشدنی. خوراکی را می‌شود قرض داد؛ مثلاً همسایه از همسایه‌اش تخم مرغ قرض می‌گیرد بعداً می‌خرد و به قارض می‌دهد. شیر، نان و کتاب نو را می‌شود قرض داد که تو مالک می‌شوی و بعداً یک کتاب نو می‌خری و به من می‌دهی. ولی **در عاریه مال باید مصرف نشدنی باشد** چه مثلی باشد و چه قیمی. من یک کتاب نو دارم، آیا می‌توانم عاریه بدهم؟ بله که طرف استفاده می‌کند و بعد از استفاده پس می‌دهد که ایرادی ندارد کهنه هم بشود. من یک ماشین کهنه دارم، آیا می‌توانم عاریه بدهم؟ بله طرف استفاده می‌کند و کارش را انجام می‌دهد و بعداً پس می‌دهد.

دو نکته:

اولاً - اگر مال القرض مثلی باشد؛ **صرف مشاهده آن حین العقد کافی است و تعیین اوصاف و مقدار آن حین عقد ضرورت ندارد.** برای تعیین میزان تعهد مقترض بعد از عقد قرض هم می‌توان به ضبط اوصاف و مقدار مال القرض اقدام کرد.

ثانیاً - اگر مال القرض قیمی باشد؛ **معلوم بودن قیمت، در حین العقد ضرورت ندارد و می‌توان بعد از عقد قرض آن را معلوم کرد.** پس، بودن مال القرض در حداقل آن کافی است و به این طریق معنی معلوم بودن مال القرض در ضمن این بحث روشن شد و ماده ۶۴۸ محمول بر این بحث خواهد بود و ماده ۲۱۶ قانون مدنی^۲ (که مفسر ماده ۱۹۰ ق.م. است) بطور ضمنی بحث بالا را تایید می‌کند؛ یعنی؛ **علم اجمالی** مذکور در ماده ۲۱۶ در مورد عقد قرض کافی است.

سوال: آیا عین مال مورد قرض را می‌توان به قارض پس داد؟ بله می‌توان عین مال مورد قرض را پس داد. {ولو آنکه روز رد آن بقارض، تنزل قیمت پیدا کرده باشد (ماده ۶۵۰)^۳ به دلیل اینکه غالباً بعد از قرض گرفتن، مقترض مال القرض را بمصرف می‌رساند و عین آن را از بین می‌برد. به همین جهت مقنن گفته باید مثل آن را رد کند و الا اگر احیاناً عین مال القرض از بین نرفته و به مصرف نرسیده باشد؛ رد همان عین بطریق اولی موجب برائت ذمه مقترض است و قارض مکلف بقبول آنست. (دکتر لنگرودی)

۱ - ماده ۳۱۲ - هر گاه مال مغضوب بوده و مثل آن پیدا نشود غاصب باید قیمت حین‌الاداء را بدهد و اگر مثل موجود بوده و از مالیت افتاده باشد باید آخرین قیمت آنرا [آن را] بدهد.

۲ - ماده ۲۱۶ - مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که **علم اجمالی** به آن کافی است.

۳ - ماده ۶۵۰ - مقترض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگر چه قیمت ترقی یا تنزل کرده باشد.

سوال دکتری سال ۱۳۹۸: شخصی که پنجاه کیلو برنج به همسایه خود برای تهیه شام عروسی قرض داده است، پس از پایان مراسم عروسی و اطلاع از اینکه مقرض برنج‌ها را مصرف نکرده، عین برنج‌ها را مطالبه می‌کند، ولی مقرض از تسلیم آنها خودداری می‌کند. یک روز بعد، برنج‌های مذکور در اثر تقصیر مقرض تلف می‌شود، در حالی که قیمت برنج در بازار به نصف کاهش یافته است. کدام مورد در خصوص مسئولیت مقرض، صحیح است؟

(۱) تسلیم پنجاه کیلو برنج مثل برنج‌های تلف شده، به اضافه مبلغی برای جبران کاهش قیمت

(۲) تسلیم پنجاه کیلو برنج مثل برنج‌های تلف شده

(۳) تسلیم صد کیلو برنج مثل برنج‌های تلف شده

(۴) تسلیم در برابر قیمت برنج‌های تلف شده

گزینه ۲ صحیح می‌باشد. با استناد به ماده ۶۵۰: «مقرض باید مثل مالی را که قرض کرده است رد کند اگر چه قیمت ترقی یا تنزل کرده باشد.»

سوال مهم: آیا قرض دادن کلی در معین صحیح است؟ بله قرض دادن کلی در معین صحیح است؛ مانند اینکه فردی یک اسکناس ۱۰۰ هزار تومانی از بین چند اسکناس ۱۰۰ هزار تومانی معین را قرض دهد.

سوال: آیا طرفین عقد می‌توانند ضمن عقد قرض شرط کنند که مقرض به جای مثل، قیمت بدهد؟ بله این شرط صحیح است اما توافق مستقلی بوده و عقد قرض نمی‌باشد.

گوشزد: خصوصیت اول و دوم (تملیک / رد مثل) اختلافی نبوده و قانون گفته اما در خصوصیت‌های بعدی اختلاف هست.

۳. قرض عقدی است معوض: عقد معوض آن است که هر یک از طرفین (طرف ایجاب و طرف قبول) مکلف به دادن عوض باشد؛ مانند عقد بیع. عقد قرض نیز معوض می‌باشد؛ زیرا قرض دارای دو مورد می‌باشد: یکی مال است که مقرض به مقرض می‌دهد؛ مانند گندم یا پول و غیره، و دیگری مثل آن است که مقرض باید در موعد مقرر به مقرض پس می‌دهد؛ بنابراین قرض مجانی نیست.

نظرات اساتید حقوق: دکتر کاتوزیان / دکتر شهبازی در مورد اینکه قرض عقدی است معوض یا شبه معوض:

سؤال: آیا قرض معوض است یا شبه معوض؟ بعضی گفته‌اند معوض است چون مال را مقرض می‌دهد این یک عوض است که بعداً مثل آن را می‌گیرد که این هم می‌شود یک عوض. این نظر غلط نیست اما یک نکته ظریف دارد؛ می‌گویند آقا قرض مثل بیع معوض نیست در بیع که معوض است مبادله صورت می‌گیرد؛ بین مبیع و ثمن مبیع را می‌دهی و ثمن را می‌گیری که این مبادله می‌تواند همزمان باشد. اما در قرض مسخره است که مقرض مال را بدهد و همان موقع مثلش را بگیرد؛ مگر مقرض احمق است؟ اگر مثل را داشت چرا قرض گرفت؟ فلسفه قرض این است که مقرض مال را بگیرد نیازش رفع شود و بعداً مثل آن را بدهد. پس در قرض آن مبادله صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین پیشنهاد شده می‌گویند قرض شبه معوض است یا معوض ناقص است. چون با عقود معوض دیگر یک فرق دارد. البته فکر نکنید تعهد مقرض همیشه مؤجل است؛ یعنی مقرض مال را می‌گیرد و باید توی اجلی پس بدهد، نه! این بعداً و زمان بعد، در قرض (طرف مالی را می‌گیرد که بعداً بدهد) الزاماً اجل نیست.

مثال: یک نفر از دیگری پول قرض می‌گیرد؛ مثلاً یک میلیون می‌گیرد خداحافظ! حال تعهد مقرض چیست؟ حال است و هر وقت مقرض خواست مطالبه می‌کند؛ ولی مقرض نیز می‌داند که فوری نمی‌تواند مطالبه کند. ولی می‌تواند تعهد مقرض مؤجل باشد.

۴. آیا قرض عقدی رضائی است یا عینی؟ از جمله عقود که در مورد رضایی بودن یا نبودن آن اختلاف نظر وجود دارد؛ قرض است. **قانون مدنی در مورد رضایی بودن یا نبودن آن ساکت است.** یک عده می‌گویند قرض رضائی است و با ایجاب و قبول واقع می‌شود و یک عده می‌گویند؛ قرض عینی است و با قبض واقع می‌شود. در قانون مدنی یک ماده داریم که مفهوم مخالفش طوری است که هر دو نظر را تأیید می‌کند؛ یعنی از مفهوم مخالف این ماده (۶۴۹ق.م) هم بر می‌آید که قرض رضائی است و هم بر می‌آید که عینی است که به نظر دکتر شهبازی عینی بودن کمی قوی‌تر است؛ ماده مورد اشاره ماده ۶۴۹ ق.م است:

ماده ۶۴۹- اگر مالی که موضوع قرض است بعد از تسلیم تلف یا ناقص شود از مال مقرض است.

مفهوم مخالف این ماده آن است که اگر مال موضوع قرض پیش از تسلیم {بعد از عقد و پیش از تسلیم} تلف یا ناقص شود از مال مقرض است (فرض این است که عین معین است). آنهایی که می‌گویند قرض عینی است می‌گویند دلیل ما همین مفهوم مخالف این ماده است. چون قبل از تسلیم مقرض مالک است؛ پس تلف هم به عهده اوست (تلف هر مال به عهده مالک است) و با تسلیم، تملیک صورت می‌گیرد و بنابراین فرض عینی است. ولی آنهایی که می‌گویند قرض رضائی است (در آزمون چنانچه سوال طرح شد؛ قرض رضائی است) می‌گویند آقا قبل از تسلیم مقرض مالک است چون

تملیک صورت گرفته است ولی دلیل اینکه تلف از مال مقرض است به خاطر ضمان معاوضی است. می‌گویند در بیع (جائیکه اختلاف نیست) قبل از تسلیم مشتری مالک است ولی تلف به عهده بایع است که به خاطر ضمان معاوضی است. اگر ضمان معاوضی را در قرض نپذیریم قرض می‌شود عینی ولی اگر ضمان معاوضی را در قرض بپذیریم می‌شود رضائی.

۵- آیا قرض عقد لازم است؟ عده‌ای به دلیل فوری بودن تعهد مقرض به پرداخت مثل یا قیمت، اعتقاد به جایز بودن عقد قرض دارند؛ زیرا معتقدند که هر موقع هر یک از مقرض یا مقرض اراده کنند؛ می‌توانند مورد قرض را مسترد نمایند هر چند که در عقد مدتی مقرر شده باشد. باید دانست که در مورد لزوم یا عدم لزوم مدت در عقد قرض، اختلاف نظر وجود دارد، لیکن مطابق نظر مشهور مدت در عقد قرض لازم‌الوفا نیست و مقرض می‌تواند پیش از انقضای مدت طلب خود را از مقرض درخواست کند. **بنابراین عقد قرض لازم محسوب می‌شود.** به طور کلی اصل بر لزوم تمامی عقود است. بنابراین، اگر تردید کنیم که عقد قرض لازم است یا جایز؟ باید، با توجه به این اصل کلی، این عقد را لازم بدانیم. در نتیجه مقرض یا مقرض **نمی‌توانند پس از انجام عقد، یک طرفه و از جانب خود، این توافق را فسخ کنند. مگر اینکه** شرط فسخ در این توافق پیش بینی شده یا این توافق به یکی از علت‌های قانونی، قابل فسخ باشد. برای مثال، قرض دهنده نمی‌تواند؛ هر زمان که بخواهد مال موضوع توافق را از قرض گیرنده، پس بگیرد. (دکتر شهیدی) **(در آزمون چنانچه سوال طرح شد؛ قرض عقدی لازم است)**

جمع بندی

موضوع اختلافی نیست.	(۱) قراردادی تملیکی است: به این معنی که پس از توافق طرفین و انعقاد قرارداد مال موضوع قرض به تملک وام گیرنده یا همان مقرض در می‌آید و ایشان می‌تواند مطابق ماده ۳۰ قانون مدنی هر نوع تصرف مالکانه در مال خود انجام دهد.
موضوع اختلافی نیست.	(۲) مال موضوع قرض باید مثلی باشد و نمی‌تواند عین معین باشد: زیرا اگر مورد قرض عین باشد و مقرض بخواهد که پس از انتفاع همان عین را به عنوان مثل به مقرض مسترد دارد، این کار مصداق عاریه را پیدا می‌کند نه قرض. نکته: تنها عقدی که در قانون مال موضوع آن باید مثلی باشد، عقد قرض است. نکته: طلب را نمی‌توان قرض داد. مقرض نمی‌تواند مالی را که از دیگران طلبکار است (کلی در ذمه دیگری)، قبل از دریافت و وصول آن، به شخص دیگری قرض دهد.
موضوع اختلافی است.	(۱) عقدی لازم است: بدین معنی که وام دهنده نمی‌تواند پس از انعقاد قرارداد با وام گیرنده عقد را یکطرفه و یک جانبه از طرف خود فسخ و آنچه را که به دیگری تملیک کرده است؛ پس بگیرد.
موضوع اختلافی است.	(۲) قراردادی معاوضی است: بدین معنی که وقتی مالی را وام دهنده به مقرض تملیک می‌کند ایشان مکلف است مثل یا قیمت آن را به وام دهنده بازگرداند.
موضوع اختلافی است.	(۳) قراردادی رضایی است: به این معنی که صرف توافق طرفین برای انعقاد قرارداد کافی است و تشریفات دیگری برای انجام معامله از قبیل قبض و اقباض و یا تنظیم سند رسمی لازم نمی‌باشد. نکته: متن قانون مدنی در مورد رضایی بودن یا نبودن قرض ساکت است. سوال: عقد قرض به صرف ایجاب و قبول واقع می‌شود یا نیاز به قبض و تسلیم دارد؟ با پذیرش اصل رضایی بودن عقود و قراردادهای در حقوق کنونی ایران، می‌توان به این نتیجه رسید که باید در حقوق موضوعه، به رضایی بودن عقد قرض و تحقق آن به صرف ایجاب و قبول (تحقق تراضی) قایل شد. تسلیم و قبض، فقط در تحقق تعهد منتقل الیه، مؤثر است.

و
و
و

و... مطالب مبحث قرض در متن اصلی کتاب ادامه پیدا می‌کند.

نکات مهم

نکته: قرض عقدی است معاوضی؛ به این مفهوم که در قبال قرض، معاوضی وجود دارد و برعکس هدیه (هبه) که می‌تواند بدون هیچ عوضی باشد، این عقد معاوض است.

نکته: مولای صغیر و مجنون حق ندارند مال مولی علیه خود را به قرض دهد مگر اینکه ضرورت (غبطه صغیر و مجنون) ایجاب کند که وام داده شود. ولی می‌تواند مال مولی علیه را برای خود قرض گیرد؛ بشرط اینکه:

اولاً_ در حین قرض توانائی رد قرض را داشته باشد.

ثانیاً_ صرفه مولی علیه در این باشد.

نکته: از ماده ۶۵۱ ق.م دانسته می‌شود که:

الف_ در عقد قرض، تعیین اجل (برای پرداخت دین) ضرورت ندارد در این صورت قرض را قرض حال (بدون مدت) می‌گویند که قارض هر وقت که اراده کند می‌تواند طلب خود را مطالبه کند و مقتض هر وقت که اراده کند می‌تواند دین خود را تحویل او بدهد و اگر او امتناع ورزد به حاکم بدهد.

ب_ می‌توان برای عقد قرض (پرداخت دین) اجل معین کرد و تعیین اجل مخالف مقتضای ذات عقد قرض نیست. اما قانون مدنی عقیده دارد که تعیین اجل باید ضمن تعهد لازمی باشد که آن تعهد ناشی از عقد دیگری (مانند بیع یا صلح و غیره) است؛ مثلاً ضمن عقد بیعی برای قرض معینی اجلی تعیین کنند و مقصود از وجه ملزم همین است.

و
و
و

و... نکات مهم در متن اصلی کتاب ادامه پیدا می‌کند.

خودسنجی

۱- سوال دکتری سال ۱۳۹۶: پس از فروش خانه‌ای به مبلغ ده میلیون تومان و قبل از پرداخت ثمن حال، طرفین توافق می‌کنند که مبلغ مذکور به مدت سه ماه به عنوان قرض در ذمه خریدار باقی بماند. در قرارداد بیع شرط شده است در صورت عدم پرداخت ثمن، فروشنده حق فسخ دارد. اگر خریدار در پرداخت مبلغ مذکور کوتاهی ورزد، کدام مورد در اختیار فروشنده است؟

(۱) فسخ قرارداد تبدیل تعهد به منظور استفاده از اختیار تأخیر ثمن (۲) استفاده از اختیار تأخیر ثمن، در صورت وجود شرایط آن
(۳) فسخ قرارداد بیع به استناد اختیار شرط معلق (۴) الزام خریدار به پرداخت مبلغ قرض

گزینه ۴ صحیح است. با توجه به اینکه پس از عقد بین طرفین به جاری شدن احکام عقد قرض توافق کرده‌اند؛ در نتیجه بعد از توافق فقط احکام عقد جاری است و گزینه صحیح را می‌توان مطابق ماده ۶۴۸ قانون مدنی انتخاب نمود و خریدار را ملزم به پرداخت مبلغ قرض نمود.

و
و
و

و... سوالات آزمون‌ی در متن اصلی کتاب ادامه پیدا می‌کند.

آرای وحدت رویه در امور مدنی

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

شماره ۸۳۲ - ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

نظر به اینکه با تحقق عقد رهن، مالکیت عین، کماکان متعلق به راهن است و مرتبه به تبع طلب خود نسبت به عین مرهونه، حق عینی دارد و به استناد این حق، می تواند از محل فروش آن با رعایت تشریفات قانونی طلب خود را استیفاء نماید، چنانچه حقوق مرتبه به نحوی از انحاء، تأمین یا طلب وی تأدیه شود، انجام بیع نسبت به عین مرهونه توسط راهن، منافاتی با حقوق مرتبه و ماده ۷۹۳ قانون مدنی و رأی وحدت رویه شماره ۶۲۰ - ۲۰/۸/۱۳۷۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور ندارد و دعوی الزام به فک رهن به طرفیت فروشنده مال مرهونه قابلیت پذیرش را دارد.

رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

رأی وحدت رویه شماره ۸۲۹ - ۱۴۰۱/ ۱۲/ ۱۶

دادگاه خانواده برابر ماده ۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، برای رسیدگی به امور و دعاوی خانوادگی تشکیل شده و در ماده ۴ این قانون، موارد صلاحیت آن احصاء شده است؛ بر این اساس، دعوای زوجه به طرفیت متعهد ثالث مبنی بر «الزام به تنظیم سند رسمی مال غیرمنقول موضوع مهریه» که زوج طرف دعوا نیست، از صلاحیت این دادگاه به عنوان یک مرجع اختصاصی و دارای صلاحیت استثنایی، خارج است و مطابق اصل، در صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی است.

و
و
و

و... در کتاب اصلی همه آرای وحدت رویه در امور مدنی ذکر شده و این صفحات ادامه پیدا می کند.

۰۹۱۲۲۱۰۹۳۱۹-۰۲۱۹۶